

## گزارش «وطن امروز» از نقش تغییرات اجتماعی و فرهنگی در میزان مشارکت در انتخابات

# نبض مشارکت جامعه ایرانی

معرفتی امام خمینی(ره)، خلق معنای جدیدی از دموکراسی به نام مردم‌سالاری دینی بود. مردم‌سالاری دینی الگوی نوپدید در بازتفسیر جمهوری است. در اندیشه‌های دینی بود که جایگاه ایران در منطقه را به نوعی ممتاز کرد. به واقع با بررسی اجمالی آنچه در کشورهای اطراف خودمان در منطقه یا حتی بررسی آنچه در کشورهای رقیب ایران در جهان اسلام همچون مصر و عربستان می‌گذرد، به سادگی می‌توان فهمید هیچ‌یک از آنان نتوانستند جمهوری را در قالب قرائت خود از اسلام بازتفسیر کنند، از این رو با سنت سیاسی پیشین یعنی حاکمیت‌های دیکتاتور باقی ماندند یا به صورتی بی‌مایه از دموکراسی دست یافتند. در این وصف اما اجتهاد شیعی و حکمت اسلامی و انقلاب اسلامی به راه‌وردی دست یافت که

مفهوم جمهور یا ملت هر چند در خاستگاه کشورهای غرب ظهور یافت و در انقلاب فرانسه توانست بر نازک اندیشه سیاسی بنشیند اما به تبع آن هر کشور دیگری به واسطه میراث فکری و فرهنگی خود نتوانست از رابطه را با آن برقرار ساخت. به واقع نسبتی که منطقه غرب آسیا به واسطه قرارگیری در نقطه حساس جغرافیایی همچنین استقرار هویت اسلامی در آن با مفاهیم اندیشه سیاسی غرب برقرار کرده از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و شایستگی بررسی بیشتر را دارد. در این میان اما ایران به واسطه بهره‌گیری بسیار غنی از فلسفه و حکمت اسلامی به ضمیمه اجتهاد شیعی، تلاش کرد مفاهیمی همچون جمهور، دموکراسی، قانون و... را به تسخیر خود در آورده و باز تفسیر کند. حاصل این باز تفسیر در دستگاه فکری و

به ضمیمه وجود نگاه الهیاتی و دینی به حضور مردم در عرصه سیاست و تکلیف خواندن مشارکت، باعث شده این پرسش طرح شود: چه چیز ما را به سمت این وضعیت سوق داده است؟ به واقع نظام اسلامی به واسطه طرح خود از سیاست و جمهوریت، حضور مردم در عرصه سیاست را فراتر از گردش خنجران سیاسی، به موضوعی برای سنجش مشروعیت تبدیل کرده است. همین موضوع نشان از عمق تکبیه این نظام به مردم و گروه‌های مختلف جامعه دارد؛ موضوعی که به کرات در ادبیات رهبران انقلاب اسلامی باز تاب داشته و در کانون توجه قرار گرفته است. در این گزارش تلاش داریم ابعاد مختلف کاهش مشارکت مردم در عرصه انتخابات را مورد توجه قرار دهیم.

### انگیزه‌های گریز از مشارکت

نخستین موضوعی که شائبه پرداخت دارد بحث از انگیزه‌های افرادی است که تن به مشارکت در فرآیند انتخابات نمی‌دهند. در واقع مساله جدی آن است که برخی گروه‌های اجتماعی با این کنش خود (عدم مشارکت در انتخابات) قصد ارسال چه پیامی را به کلیت امر سیاسی در کشور ما دارند؟ برخی بر این باور هستند ریشه‌های عدم مشارکت را نباید در لایه‌های زیرین سیاسی جست‌وجو کرد. به عبارت دیگر، عدم مشارکت خطری را متوجه کلیت نظام سیاسی در ایران نمی‌کند چراکه هدف این کنش، پیامی انتقادی نسبت به سیاست‌های دولت‌هاست. در نقطه مقابل برخی این سخن را مردود دانسته و معتقدند مشارکت کم به دلیل دل‌سردی مردم از کلیت نظام سیاسی است. دکتر سیدحسین شرفالدین، عضو هیات علمی موسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی در پاسخ به این مساله به «وطن امروز» گفت: «پاسخ دقیق به این سوال نیازمند انجام مطالعه میدانی جامع و دقیق با هدف دستیابی به چرایی اتخاذ این موضع سلبی غیرمنتظره از نسو انبوهی از کنشگران اجتماعی واجد شرایط است. به صورت حدسی و با ارجاع به مشاهدات محیطی می‌توان گفت این عده معمولاً کسانی هستند که با طور کلی تمایل و انگیزه‌ای برای مشارکت سیاسی به طور عام و شرکت در انتخابات به طور خاص ندارند؛ یا مسئولیت و تعهدی را در این باره متوجه خود نمی‌بینند؛ یا شرکت در انتخابات را طریق مناسبی برای تحقق اهداف و انتظارات مدنی خود نمی‌دانند؛ یا به دلیل اینکه احساس می‌کنند مشارکت‌های پیشین آنها فاقد نتایج ملموس و موثر بوده، دل‌سرد شده‌اند؛ یا اصولاً به فرایند برگزاری انتخابات و مکانیسم‌های اجرای آن در کشور اعتراض دارند؛ یا کاندیدای مورد علاقه خود را در میان نامزدهای پیشنهادی و مورد تأیید شورایی نگهان نمی‌بینند؛ یا به شعارهای انتخاباتی و قول و وعده‌های طراحان آن اعتمادی ندارند؛ یا اساساً از اصلاح وضعیت موجود کشور در عرصه‌های مختلف و رهایی از بحران‌های فرساینده و متراکم از هر طریق ممکن از جمله انتخابات و چرخش خنجران مایوس شده‌اند. برخی نیز به دلیل وجود برخی موانع ساختاری جدی در مسیر توسعه کشور، اصلاح ساختارها و ترمیم وضعیت‌های تعیین‌یافته را مقدم بر تلاش برای یافتن عوامل انسانی تحول آفرین می‌دانند. مدنی و مبارزه مفاهیم مسالمت‌آمیز یا نظام سیاسی شمرده می‌شود».

### زمینه‌های عدم مشارکت

مساله جدی بعدی پیرامون عدم مشارکت، بحث از زمینه‌های تقویت‌کننده این موضوع است. برای مثال برخی گسترش فضای مجازی را در سیاست‌زدایی از جامعه ایران بی‌تأثیر نمی‌دانند. به باور این کارشناسان، فضای مجازی با تأکید بر اینستاگرام منجر به خلق نسل‌هایی از جوانان شده است که فرهنگ خوش‌باشی در میان آنان حرف اول را می‌زند. این نسل با توضیحات مختلفی از جمله نسل زد نیز توسط برخی توضیح داده شده است اما آنچه در توضیح این گروه مهم تلقی می‌شود، بی‌توجهی به امر جمعی و غوطه‌وری در نوعی فردگرایی افراطی است. علت دیگری که توسط برخی جامعه‌شناسان مطرح می‌شود، عرفی شدن جامعه ایران است. پتانسیلی که انقلاب اسلامی در سال نخست ظهور و بروز خود ایجاد کرد، منجر به آن شد که عموم مردم مشارکت سیاسی را به نوعی تکلیف برای خود برشمارند، لذا حضور در انتخابات نیز به تبع همین نگاه یک واجب شرعی شمرده می‌شد اما به باور این جامعه‌شناسان، جامعه ایران طی چند دهه گذشته روند عرفی شدن را شروع کرده لذا سیاست نیز دیگر برای او امری شرعی نیست، بلکه در نهایت حق او شمرده می‌شود. دکتر شرفالدین درباره این مساله به «وطن امروز» گفت: «عوامل و وضعیت‌های متعددی را در این خصوص می‌توان موثر شمرد که برخی نقش علی و تعیین‌کننده و برخی نقش اعدادی و زمینه‌ای ایفا می‌کنند. برخی از مهم‌ترین این عوامل عبارتند از: توده‌های شدن انتخابات (برجسته شدن نقش رسانه‌ها، تبلیغات، هیات‌های مذهبی، دادوستدهای پشت صحنه و...)، تقلیل‌یابی مشارکت سیاسی به معنای عام آن به شرکت در انتخابات (فقدان شرایط دموکراتیک در سایر بخش‌ها یا محدود



### هویت‌های مقاوم در برابر مشارکت

معنوی ناشی از این متابعت را تمکین می‌کنند. عده‌ای نیز در مقابل، جزء مخالفان و منتقدان داخلی نظام (پویزیسیون) شمرده می‌شوند و از جمله مظاهر مخالفت آنها رویکردی و عدم مشارکت در انتخابات و در صورت امکان، بازداشتن دیگران از این مشارکت است. دسته سوم که اصطلاحاً موسوم به «فشر خاکستری» هستند وضعیت کاملاً متغیر و مبذب دارند و بسته به شرایط گاه به سمت موافقان و گاه به سمت مخالفان غش می‌کنند. این قشر به لحاظ کمی، جمعیت انبوهی را پوشش می‌دهد و بسته به شرایط و متغیرهای محیطی این کمیت کاهش و افزایش می‌یابد. نحوه مشارکت این عده اقتضایی و معمولاً غیر قابل پیش‌بینی است. این عده

با خاکستری است که کمیت مشارکت را می‌سازد. پرسش در اینجا چنین است که کمیت و کیفیت این طیف میانه یا اصطلاحاً خاکستری در جامعه ایران چگونه است؟ شرفالدین در پاسخ این مساله به «وطن امروز» گفت: «طبق یک گونه‌شناسی کلاسیک که جمعیت کشور را برحسب میزان هم‌نوایی آنها با سیاست‌های حاکم دسته‌بندی می‌کند؛ بخشی از جمعیت جزو وفاداران، حامیان، پیروان صدیق و همراهان ثابت‌قدم نظام اسلامی شمرده می‌شوند. این عده معمولاً در هر صحنه به اقتضای ضرورت، وفاداری مورد انتظار خود را ابراز کرده و با طوع و رغبت، هزینه‌های مادی و

به نفع طبقات مدرن تر جامعه است. این امر بویژه با ورود به دور گسترش ارتباطات و شبکه‌های مجازی سرعت چند برابر گرفته است. در نقطه مقابل اما دیگران معیارهای اصلی را امور دیگری همچون اقتصاد یا انتظارات برآورده نشده مردم از امر سیاسی معرفی می‌کنند. در یک تقسیم‌بندی دیگر برخی با معیار اصل قرار دادن امر سیاسی، مردم را به دسته طرفداران نظام حاکم، مخالفان و طیف میانه تقسیم می‌کنند. طبیعتاً در این دسته‌بندی طرفداران یک نظام سیاسی در هر حالت ممکن در انتخابات شرکت می‌کنند اما مخالفان نیز باز به همین کیفیت به هیچ عنوان در انتخابات شرکت نمی‌کنند. در این میان اما طیف میانه

در ۳ انتخابات اخیر ما شاهد مشارکت زیر ۵۰ درصد بوده‌ایم. همین امر پرسشی را در ذهن جامعه‌شناسان ایجاد کرده که اصطلاحاً افراد گریزان از مشارکت ذیل چه هویت و گروه اجتماعی‌ای صورت‌بندی می‌شوند؟ آیا این افراد در واقع طبقه متوسط شهری بوده که طی فرآیندهای مدرن شدن جامعه ایرانی روزبه‌روز فرته‌تر شده‌اند یا طبقات سنتی جامعه ایران نیز مشمول این قضایه هستند؟ از طرف دیگر وضعیت مشارکت در میان گروه‌های مذهبی چگونه است؟ برخی جامعه‌شناسان بر این باور هستند که عامل اصلی کاهش مشارکت در طول دهه ۹۰، مرتبط با تحولات فرهنگی و تغییر در ساخت اجتماعی جامعه ایران و کاهش طبقات سنتی

### جهانی شدن و مسأله مشارکت

ویژه‌نامه‌های شب‌های قدر، اعتکاف، دهه کرامت، روز غدیر، راهپیمایی اربعین، راهپیمایی جاماندگان اربعین، برنامه‌های سیاسی مذهبی دهه فجر، راهپیمایی ۲۲ بهمن، روز قدس، شرکت در مجالس تشییع شهدا، اقبال شایان از سفر به عتبات، حج و عمره و سفرهای مذهبی در داخل کشور از دید مسؤلان نظام رونق همه این برنامه‌ها را باید به حساب موفقیت نظام در عرصه فرهنگ‌سازی و تقویت و تعمیق فرهنگ دینی تلقی کرد و این خود به مثابه نوعی فرآیند مقدسی است که سالانه چند بار در کشور تکرار می‌شود و سند گویایی از میزان نفوذ فرهنگی و مقبولیت نظام اسلامی در عرصه راهبری جامعه به دست می‌دهد».

دینی و ولایی بر آمده از اعتقادات و ارزش‌های دینی اکثریت قاطع مردم است. به همین دلیل، هم نظام اسلامی و هم بخش‌های قابل توجهی از مردم حتی مشارکت پر نشاط مومنان در برگزاری مناسک مذهبی و شبه‌مذهبی را نیز در راستای تأیید نظام اسلامی و تأیید عملکرد آن در عرصه‌های مختلف بویژه در عرصه‌های فرهنگی و تقویت فرهنگ دینی تفسیر می‌کنند. مشارکت قاطع عموم در برگزاری مراسمات و اعیاد و سئوگاری‌های مذهبی مثل شرکت در هیات و دسته‌جات عزاداری محرم و صفر، مجالس شادی و سوگ و به مناسبت ولادت و شهادت پیامبر اکرم(ص) و ائمه اطهار(ع)، برگزاری

بهبود وضعیت مالی خود بوده و آدم‌ها کمتر سیاسی هستند. بر همین اساس برخی معتقدند در قرن ۲۱ امکان ظهور انقلاب‌های گسترده بسیار کمتر شده است، همچنین مساله جدی دیگر تحولات دینداری در ۲ دهه گذشته است. تکرر الگوهای مختلف دینداری، تمایل به دینداری عنوان عملی فردی و آرامبخش در دل تحولات و کشاکش‌های زندگی شهری بی‌تأثیر از سیاست‌زدایی مردم ایران نبوده است. شرفالدین در این باره به «وطن امروز» گفت: «تقریباً همه این عوامل هر چند به صورت جزء العله در این رخوت موثر بوده‌اند.

